

ساختار و تأویل امنیت

(درآمدی بر روش‌شناسی تفسیری)

تألیف: اصغر افتخاری^۱

مقدمه

«محققانی که در یکی از رشته‌های علوم اجتماعی کار می‌کنند، بیش از هرچیز با مسایل مربوط به روش بحث سر و کار دارند، و بسیاری از بحث‌های آنان درباره این مسایل، با نظر داشتن به روش‌های علوم شکوفاتر... صورت می‌گیرد.»^(۱)

(کارل پوپر)

مدعای پوپر به میزان زیادی قرین صحت است و شاید کمتر موضوعی را در جهان علم بتوان سراغ گرفت که همچون بحث از «روش» توانسته باشد، این چنین معادلات و محاسبات جاری را در هم ریخته و به بنای بنیادهای تازه‌ای از علم و دانش کمک کرده باشد. از این منظر «پرسش از روش»، نخستین سؤالی است که در مواجهه با مقولات و دست‌آوردهای علمی مطرح می‌شود و بر همین اساس نیز می‌توان به روش‌های مختلف برای تجزیه و تحلیل یک امر واحد تمسک جست و در نتیجه به نتایج مختلف (و درستی) دست یافت.

در حوزه «امنیت پژوهی» متأسفانه تاکنون کمتر از «روش» سخن به میان آمده و می‌توان ادعا کرد که اندیشه‌گران این حوزه بیش از «روش» به «مفهوم» و «استراتژی تحویل» امنیت نظر داشته‌اند. اتخاذ چنین رویکردی اگرچه صبغه عملیاتی پژوهش‌های به عمل آمده را پررنگ ساخته اما - در عین حال - به ضعف بنیاد فلسفی و روش‌شناختی دیدگاه‌های ارایه شده منتهی شده است؛ به گونه‌ای که کمتر اثر ارزنده‌ای را در حوزه امنیتی می‌توان سراغ گرفت که با بحثی دقیق در «روش‌شناسی» و تعیین روش منتخب نویسنده، آغاز و با التزام به آن «روش»، به پایان رسیده

۱. معاون پژوهشی پژوهشکده مطالعات راهبردی

باشد. (۲) آن چه در آثار موجود بیشتر به چشم می خورد، «برخورد التقاطی» با مقوله امنیت است که در آن نویسنده به تناسب از آموزه های روش های تجربی، تفسیری، انتقادی و تحلیلی - به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه - استفاده می برد.

با توجه به مطلب بالا، چنین استنتاج می شود که: صرف طرح مساله «روش شناسی» در حوزه «امنیت پژوهی» می تواند «خدمت» بزرگی ارزیابی شود که با اصلاح «رویکرد» پژوهش گران به امنیت، به تولید آراء مستحکم تر و بدیع تر در این حوزه منتهی خواهد شد. نظر به گستردگی بحث، در نوشتار حاضر به معرفی و بررسی «رویکردی تفسیری» پرداخته، سایر روش ها را در مجال دیگر مورد توجه قرار خواهیم داد.

الف. شناخت مکتب تفسیری

زایش تئوری ها مدیون وجود سؤالاتی هستند که با تغییر آنها، پاسخ ها و در نتیجه «ماهیت علوم» متحول می شود. «دانیل لیتل»^۱ با تقسیم پرسش ها به دو دسته «علت کاو» (که به صورت «چرا - بایدی^۲» طرح می شوند) و «معنا کاو» (که به صورت «چگونه - ممکن است^۳» طرح می شوند)، راه را برای شناخت دو گونه از علوم «تحصلی» و «تفسیری» هموار ساخته است. به زعم وی علوم اجتماعی تفسیری، نه به دنبال «علل» بلکه «دلایل» است. بر این اساس، تصویری تازه از علوم اجتماعی متولد می شود که اساساً علت جو نیست. در این تصویر از «علم»، انسان به عنوان بازیگر اصلی در مرکز تحولات اجتماعی قرار دارد و جامعه چونان «متنی» است که باید در مقام «قرائت» و «فهم» آن بود.^(۳)

نتیجه اتخاذ این نگرش زایش علوم «هرمنوتیکال» (معنا کاو) می باشد که به همت اندیشه گرانی چون «چارلز تیلور»^۴، «کلیفور (کلیفورد) دگبیرتز»^۵، «ویکتور ترنر»^۶ و «پییر بوردیو»^۷ به اوج خود رسیده (۴) و در مجموع در پی تایید این اصل هستند که: افعال آدمی، ظاهر و باطنی دارد که در این میان اصالت با باطن است؛ فهم ظاهر افعال و رفتارها نیز یک راه بیشتر ندارد و آن مراجعه به درون و درک آن است. البته پرسش از چگونگی درک «درون»، سؤال اساسی بوده که از ابتدا مدنظر این دسته از عالمان علوم اجتماعی بوده است. تلاش های به عمل آمده در این زمینه، امروزه با عنوان

1. Daniel Little

2. Why - Necessary

3. How - Possible

4. Charlez Tylor

5. Clifford Geertz

6. Victor Turner

7. Pierr Bourdieu

«فلسفه تحلیلی»^۱ شناخته می‌شود که جریانی قوی و مطرح در اروپای قرن نوزدهم را شکل می‌دهد. (۵)

موضوع فلسفه تحلیلی، «زبان» است که تا پیش از آن «مهیجور» و «غیرقابل اعتنا» می‌نمود. فلاسفه تحلیلی با پیشه نمودن روش «تحلیل الفاظ» و «تصورات افراد» توانستند به زوایای ناشناخته درون افراد راه یابند و بدین ترتیب تفاسیر بدیعی را از «رفتار» و «افعال» آدمیان ارائه دهند که برای عالمان تحصلی مذهب، چندان شناخته شده نبود. بر این اساس، مکتب تفسیری با استعانت از آراء بزرگانی چون «راسل»^۲، «مور»^۳ و به ویژه «ویتگنشتاین»^۴ به بلوغ خود رسید و توجه همگان را به خود جلب و اصل تفسیر و تاویل را مقبولیتی دوچندان بخشید. پاسکال آنزال در ارتباط با این مکتب چنین اظهار داشته است: کاروان‌های بزرگ اندیشه از سه سرمنزل اصلی و عمده گذر می‌کنند؛ یکی «ریشخند»، دیگری «گفت‌وگو» و بالاخره «پذیرش». به زعم وی فلسفه تحلیلی بیش از پنجاه سال است که در اغلب کشورها از سرمنزل سوم عبور کرده است. (۶)

در ادامه این نوشتار، مقوله امنیت در چارچوب مکتب تفسیری و مطابق اصول فلسفه تحلیلی در درون «یک بازی زبانی» به سبک ویتگنشتاینی قرار گرفته، سعی می‌شود به لایه‌های زیرین این «مفهوم در بسته» نفوذ و در نهایت تفسیری متین از عناصر و بنیادهای اولیه آن ارائه شود.

ب. ساخت تفسیری امنیت

«برایان فی»^۵ در «تئوری اجتماعی و عمل سیاسی» واژگان علوم اجتماعی را به دو دسته «عملی» و «غیرعملی» تقسیم می‌کند. مفاهیم عملی، آنهایی هستند که برای بیان «آنچه برای وصول به هدفی خاص انجام می‌دهیم» به کار می‌روند، برخلاف واژگانی که بر آنچه رخ می‌دهند دلالت دارند. به عنوان مثال «پزیدن» و «افتادن»، اولی مفهومی عملی است و دومی، مفهومی غیرعملی؛

«مفاهیم عملی برای توصیف و بیان رفتارهایی به کار می‌روند که با قصد و غرض صورت

پذیرفته‌اند. بدین ترتیب که شخص می‌تواند از نظر، هدف و یا قصد عامل سوال نماید.» (۷)

با عنایت به تقسیم‌بندی بالا، معلوم می‌شود که «امنیت» در مکتب تفسیری، مفهومی «عملی» است؛ چرا که سیاست‌های امنیتی هر فرد یا واحد سیاسی، مبتنی بر «اهداف» و «اغراض» از پیش

1. Analytic Philosophy

2. Bertrand Russel

3. G.E. Moore

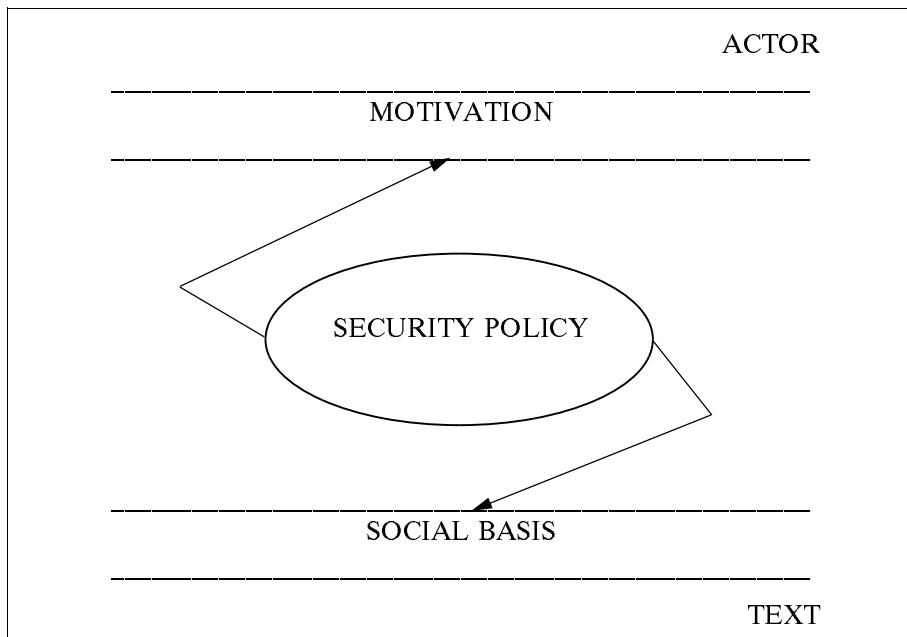
4. Ludwig Wittgenstein

5. Brain Fay

تعیین شده‌ای است که درک جوهره امنیت بدون توجه به آن غیرممکن می‌نماید. (۸) در این چشم‌انداز «امنیت به مثابه یک مفهوم عملی متشکل از سه عنصر اساسی است: (نمودار شماره ۱)

- عنصر ناظر بر نیت (اغراض، نیت، آمال، اهداف...)
- عنصر ناظر بر سنن (اخلاقیات، قوانین، ضوابط اجتماعی...)
- عنصر ناظر بر فیزیک عمل (سیاست اتخاذ شده و به اجرا گذارده شده)

نمودار شماره ۱: ساخت امنیت در مکتب تفسیری



۱. نیت بازیگر

«این یک حقیقت ساده و پیش پا افتاده است که نهادها و آداب، فارغ از فکر و احساس آدمیان، خود چیزی نیستند و کاری نمی‌کنند. آنها - ولو به درجات مختلف - همان‌اند که مردم از آنها می‌فهمند و یا در آنها می‌بینند.» (۹)

مطابق ادعای صریح و شفاف «السدیر مک اینتایر»^۱ در بحث از امنیت نیز می‌توان ادعا کرد

که: درک معنای امنیت متضمن فهم انگیزه‌ای است که بازیگران در مقام اجرای سیاست‌هایشان آن را دنبال می‌کنند. از این منظر بین «سیاست» (نمود ظاهری عمل امنیتی) با «انگیزه» بازیگر، ارتباط وثیقی وجود دارد که به تحلیل‌گر امکان می‌دهد تا از «نیت» به «معنای امنیت» پل زده، به فهم کامل‌تر از آن نایل آید. برای دست‌یابی به «نیت» عالمان مکتب تفسیری، روش «پرسش مکرر»^۱ را پیشنهاد می‌نمایند. با این روش می‌توان لایه‌های مختلف انگیزشی را برای یک عمل واحد، شناسایی و فهرست کرد.^۲ به‌عنوان مثال در مواجهه با رفتاری خاص (همانند شلیک به سوی یک‌فرد خاص) می‌توان، به لایه‌های انگیزشی مختلفی با طرح پرسش‌های مکرر به شرح زیر، دست‌یافت:

- چرا شلیک کرد؟ - تا او را بکشد

- چرا می‌خواست او را بکشد؟ - چون مخالف او بود.

- چرا مخالف او بود؟ - چون وابسته به حزب X بود. و...

به همین ترتیب می‌توان این پرسش و پاسخ را ادامه داد تا طیف متنوعی از «دلایل» فهرست شود. در ارتباط با امنیت، می‌توان لایه‌های انگیزشی زیر را که معمولاً مورد توجه قرار می‌گیرند، از یکدیگر تمییز داد: سلطه، توجیه، اقناع، «حفظ وضع موجود» و «حفظ وجود» که هر یک سیاست امنیتی خاصی را پدید می‌آورد. (۱۰)

جدول شماره ۱: ارتباط «انگیزه»، «معنا» و «سیاست» امنیتی در مکتب تفسیری

<u>MOTIVATION</u>	<u>MEANING</u>	<u>POLICY</u>
DOMINANCE	HEGEMONY	VIOLENC
JUSTIFICATION	PROTECTION	UNIFICATION
SATISFICTION	INTERACTION	COOPERATION
STATUSQUE	STABILITY	CONSERVATISM
EXISTENCE	OBEDIENCE	COLONY

1. Repeated Questioning

۲. لازم به ذکر است که این روش در علوم اجتماعی کاربرد وسیعی دارد که جهت ملاحظه مثالهای آن می‌توان به کتابهای در ارتباط با فلسفه علوم اجتماعی مراجعه کرد.

با عنایت به انگیزه بازیگر می‌توان، پنج معنای متفاوت برای مقوله «امنیت» برشمرد:

نخست: برتری

در این سطح، انگیزه بازیگر «اعمال سلطه» است که به پیدایش سیاست‌های خشونت‌بار (تجاوز، جنگ و...) در گستره معادلات امنیتی منجر می‌شود. این معنا از امنیت پیشینه تاریخی طولانی دارد و در قالب «نظامی‌گری» شناسانده می‌شود. (۱۱)

دوم: صیانت

برای بسیاری از بازیگران، صیانت از وضعیت نسبتاً مطلوب حاکم، معنای واقعی امنیت است. انگیزه موجد در ورای این معنا از امنیت «توجیه» روابط موجود است. وجود این قبیل از انگیزه‌ها، بازیگران را به سوی سیاست ایجاد «اتحاد» رهنمون می‌شود. این اتحادها اگرچه به جنگ ختم نمی‌شود، اما از آن حیث که «هنجارسازی» می‌نمایند، مانع بروز جنگ و پذیرش عمومی نسبت به وضعیت برتر برخی از بازیگران در قیاس با سایر بازیگران می‌شود. (۱۲)

سوم: اقناع

این انگیزه، در ورای عالی‌ترین نوع از روابط امنیتی وجود دارد. بر اساس آن امنیت یعنی تعامل و همکاری برای نیل به وضعیتی نسبتاً مطلوب برای همگان. خلق واژگانی چون امنیت مشترک، دسته‌جمعی و یا جامع، در ذیل این معنا از امنیت صورت پذیرفته است. سیاست‌های متناسب با این انگیزه، سیاست‌هایی‌اند که به نوعی بر اصل «همکاری» و «نظر جمعی» مبتنی هستند. (۱۳)

چهارم: حفظ وضع موجود

این انگیزه ناظر بر وضعیت امنیتی‌ای است که در آن بازیگر اگرچه وضع موجود را مطلوب ارزیابی نمی‌کند، اما چشم‌انداز به هم خوردن آن را نیز برای خود مثبت نمی‌داند. انتخاب «اخف‌الشرین» (شر کمتر) منطق اصلی این حالت است. در این حالت، امنیت معنای «ثبات» داشته و بازیگران با اتخاذ سیاست‌های محافظه‌کارانه، سعی در تحصیل آن دارند. (۱۴)

پنجم: حفظ وجود

در برخی از موارد، انگیزه بازیگر آن است تا «نابود نشود» و «وجود داشته باشد» در چنین مواقعی، امنیت به معنای تبعیت کردن از قدرت‌های برتر و اتخاذ سیاست «پیروی» است که الگوی مستعمره - اعم از اشکال سنتی و جدید آن - بهترین مصداق آن است. (۱۵)

خلاصه کلام آن که، اولین گام برای فهم «امنیت» در مکتب تفسیری راه‌یابی به انگیزه بازیگران است و بدون این مهم اساساً نمی‌توان به تصویری صحیح از سیاست امنیتی یا معنای امنیت نزد بازیگران، دست یافت.

۲. زمینه امنیت

این که امنیت مقوله‌ای «زمینه‌وند»^۱ به شمار می‌آید و در بنای اجزای مفهومی آن مجموعه آداب، سنن، اخلاقیات و سایر مقولات اجتماعی، دخیل هستند؛ امروزه دیگر نکته‌ای بدیع نیست که محتاج بحث و ارایه استدلال زیاد باشد. در واقع بسط اندیشه نویسندگان بنامی چون «الی ویور»^۲ و «باری بوزان» به پذیرش عمومی این رکن از مکتب تفسیری، کمک شایان توجهی نموده است. (۱۶) افزون بر آن شکل‌گیری یک گرایش علمی مستقل با عنوان «جامعه‌شناسی امنیت»^۳ را داریم که ایده مرکزی آن را «ارتباط بین مفهوم امنیت و ساختار اجتماعی» شکل می‌دهد. طرح مقوله «ساخت اجتماعی امنیت»^۴ از سوی اندیشه‌گران این نحله علمی، در واقع «زمینه‌وند بودن امنیت» را تایید و به یکی از مسلمات این حوزه مطالعاتی تبدیل نمود که امروزه نیز مقبولیت عام دارد. (۱۷)

«در بحث از امنیت نباید صرفاً آن را به عنوان یک متغیر وابسته ساده در نظر گرفت، بلکه متغیری مستقل و پویا^۵ است که در بستر فرآیند اجتماعی معنا و مفهوم می‌یابد... این که چه می‌شود افراد، ملل و یا جهان به مثابه یک کل احساس ایمنی می‌نمایند، پرسشی است که پاسخ آن را باید در روابط سیاسی - اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه جستجو کرد.» (۱۸)

ساخت اجتماعی‌ای که برخی از اندیشه‌گران و محققان حوزه امنیت ملی از آن سخن گفته‌اند، به طور مشخص سه عنصر اساسی را دربرمی‌گیرد که هر یک به نوبه خود، متاثر از گرایش‌های متفاوتی می‌باشند. حوزه‌های اجتماعی‌ای که در این ارتباط قابل شناسایی است، عبارتند از:

یک. ساخت داخلی^۶

این ساخت که در قالب الگوی «ملت - کشوری» تعریف می‌شود، ناظر بر فرهنگ سیاسی‌ای است که از سوی نخبگان و توده‌های مردم پذیرفته شده است. از این منظر جوامع را می‌توان به سه دسته اصلی «تمامیت‌خواه»، «دموکراتیک» و «اقتدارطلب» تقسیم نمود. (۱۹)

1. Contextual

2. Ole Waver

3. Sociology Of Security

4. The Social Structure Of Security

5. Dynamic independent

6. Internal Structure

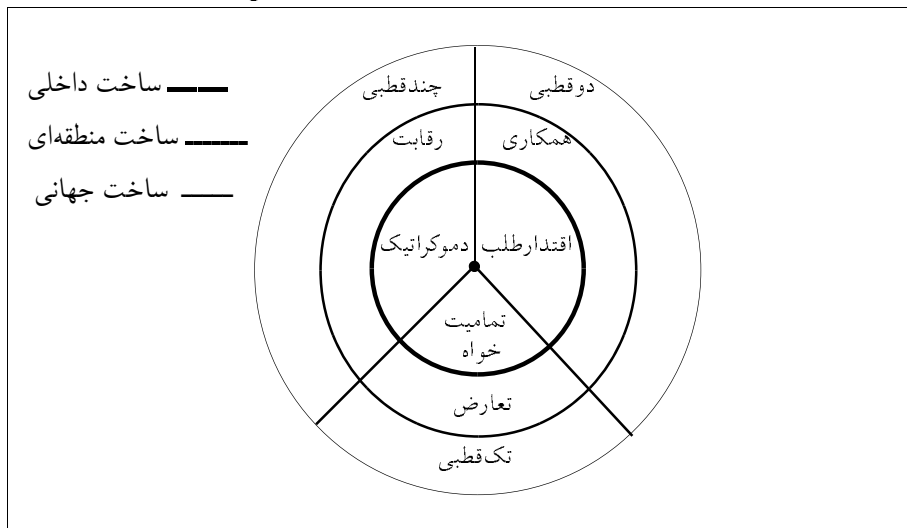
دو. ساخت منطقه‌ای^۱

این ساخت ناظر بر روندهای حاکم در سطح منطقه بوده و حکایت از غلبه یکی از سه الگوی «رقابت»، «تعارض» و «همکاری» دارد. (۲۰)

سه. ساخت جهانی^۲

درک نظم حاکم بر فضای روابط بین‌الملل و این که متاثر از نظام تک قطبی، دو قطبی یا چندقطبی است؛ سومین لایه ساخت اجتماعی را شکل می‌دهد که بدون توجه به آن نمی‌توان به معنای دقیق امنیت در یک جامعه خاص پی برد. (۲۱) مجموع این سه ساخت «زمینه امنیت» را شکل می‌دهد که در نمودار شماره (۲) مورد توجه قرار گرفته است.

نمودار شماره ۲: لایه‌های سه‌گانه ساخت اجتماعی امنیت



حال با توجه به لایه‌های سه‌گانه می‌توان به جدول ترکیبی با ۲۷ حالت دست یافت که در مجموع قابل تعریف در قالب انگیزه‌های پنج‌گانه‌ای است که سابق بر این ذکرشان رفت. (نگاه کنید به جدول شماره ۲)

جدول شماره ۲: جدول ترکیبی وضعیت امنیتی بازیگران در مکتب تفسیری

DOMINANCE	DI	DI	DI	AU	AU	AU	
	CM	CM	CO	CH	CM	CO	
	UP	BP	VP	UP	UP	UP	
JUSTIFICATION	DI	DI	DI	AV	AV	AV	DE
	CH	CM	CO	CH	CM	CO	CH
	MP	MP	BP	BP	MP	MP	UP
SATISFICTION	DE	DE	DE	DE	DE	DE	DE
	CM	CM	CM	CO	CO	CO	CO
	UP	BP	MP	UP	BP	MP	
STATUS QUE	DI	AU	AU	AU	DE	DE	
	CO	CH	CM	CO	CA	CH	
	MP	MP	BP	MP	BP	MP	
EXISTENCE	DI	DI					
	CH	CH					
	UP	BP					

DI= Dictatorship

AU= Autotarian

DE= Democratic

CH=Challenge

CO= Cooperation

CM= Compatition

UP= Unipolar

BP= Bipolar

MP= Multipolar

ج. بازی زبانی «امنیت»

آنچه ذکر شد دلالت بر اهمیت جایگاه «معنا» در رفتارهای اجتماعی دارد و این که معنا در ورای «ظاهر» عمل قرار دارد و لازم است با توجه به انگیزه عامل و بستر اجتماعی عمل، درک شود. به همین خاطر «کالینگ وود»^۱ که از وی به پدر معنوی مکتب تفسیری یاد می‌شود، خطاب به پژوهشگران اظهار می‌دارد: برای درک معنای مقولات اجتماعی لازم است تا آنقدر به «فاعل» و «بستر اجتماعی» عمل او نزدیک شویم که امکان «فهم» برای ما حاصل آید. به عبارت دیگر، لازم است پژوهشگر به «احساسی» مشابه با «احساس» بازیگر مورد نظرش دست یابد تا بتواند معنای عمل او را درک کند. (۲۲) «وینچ» در کتاب «ایده علوم اجتماعی»^۲ همین موضع را اتخاذ نموده و تحت تاثیر «وود» از روش «تفهیمی» و «همدلی» به عنوان بهترین روش برای درک معانی سخن به میان می‌آورد. (۲۳) این همان رویکردی است که توسط «ماکس وبر» برای ورود به «دنایای اجتماعی» بازیگران پیشنهاد شده است. (۲۴)

اجرای برنامه «تفهم» و «همدلی» در حقیقت ما را به یک «بازی زبانی» رهنمون می‌کند که فعالیت فلسفی تلقی می‌شود. اگر چه انجام این بازی مشکل و مبتنی بر وجود توان فلسفی بالایی است، اما چنین به نظر می‌رسد که برای نفوذ به ورای پوسته سخت الفاظ (از قبیل امنیت) گریزی از پرداختن به چنین بازی‌هایی نباشد.

از حیث فلسفی «تفهم» در بستر فلسفی مبتنی بر قبول «ثنویت» در فلسفه ذهن رویداده است؛ فلسفه‌ای که بین «انگیزه‌ها» به سان اعمال ذهنی بازیگران و «انگیخته‌ها» - اعمال ظاهری - تمییز قایل می‌شود. بر این اساس رسالت یک پژوهشگر آن است که لایه‌های مرئی «انگیخته» را به کناری زده، به عالم معانی موجود در ورای آن راه یافته و به این ترتیب به همدلی واقعی با بازیگر رسیده و معنای عمل او را درک و فهم نماید. (۲۵) شیوه نفوذ پیشنهادی مکتب تفسیری، مبتنی بر طی مراحل زیر است.

گام نخست: پیدا کردن سکوی کاوش

برای آغاز بازی زبانی مورد نظر، نخست لازم است تا مفهوم، رفتار یا عمل مورد نظر را ارزیابی نموده و آن را از آن حیث که یک «عمل اجتماعی»^۳ است یا خیر، مورد بررسی قرار دهیم. این نکته که فقط «اعمال اجتماعی» موضوع مباحث مکتب تفسیر واقع می‌شوند، از اهمیت و حساسیت این مرحله حکایت دارد. «دانیل لیتل» به نقل از «وبر»، عمل اجتماعی را چنین تعریف می‌کند:

1. Coling Wood

2. The Idea Of Social Science

3. Social Action

«ما رفتاری را فعل می خوانیم که شخص فاعل معنایی سوبرکتیو به آن بخشیده باشد؛ خواه آن رفتار آشکار^۱، خواه نهان^۲، خواه از جنس غفلت^۳ [و یا] تسلیم^۴ باشد. فعل وقتی جمعی است که در معنای سوبرکتیوش، رفتار دیگر بازیگران نیز لحاظ شده باشد و از این رو در مسیر خود، جهت خاصی پذیرفته باشد.» (۲۶)

با توجه به تعریف بالا مشخص می شود که «امنیت» یک «عمل اجتماعی» ارزیابی می شود و امکان تفسیر آن مطابق این روش وجود دارد. چرا که؛ اولاً «منوی»^۵ است و چنان که در قسمت پیشین آمد، پیوسته یک یا چند غرض از اغراض پنج گانه را می توان در آن سراغ گرفت، ثانیاً - معنای آن دقیقاً متوجه افعال دیگران است؛^۶ به گونه ای که امنیت بدون توجه به افعال سایر بازیگران - نه در معنای ایجابی اش و نه در معنای سلبی اش (و به ویژه در معنای سلبی اش) - اصلاً قابل تصور نیست. نتیجه آن که:

امنیت یک عمل اجتماعی است.

گام دوم: نفوذ به لایه «فعالیت اجتماعی»^۷

هر عمل اجتماعی در بستر خاصی معنا می یابد که از آن به «فعالیت اجتماعی» یاد می شود. مثلاً درک توقف یک فرد در پشت چراغ قرمز تنها موقعی میسر است که ما با چیزی به عنوان «ترافیک» آشنا باشیم. در ارتباط با امنیت نیز لازم است تا «فعالیت اجتماعی» ای را که موجود «امنیت» است، شناسایی و مدنظر قرار دهیم. در این ارتباط تلاش های فلسفی متعددی صورت پذیرفته که از این میان می توان به دیدگاه افلاطون که از «کمبود»، و یا «هابز» که از «ترس» و «زیاده خواهی» سخن گفته اند، اشاره کرد. عصاره نظرات ارائه شده در این زمینه را می توان در «زیاده خواهی» خلاصه نمود که به مثابه یک «فعالیت اجتماعی» طبیعی، موجب رفتارهای متنوعی می شود که بحث امنیت در درون آن می روید. این تلقی از آنجا که با آموزه های اسلامی

1. Overt

2. Covert

3. Omission

4. Acquiescence

5. Intentional

۶. جهت درک بهتر وجه «اجتماعی» عمل، توجه به مثال لیتل مفید است. لیتل فردی را مثال می زند که صبح زود از خواب برخاسته و راهی محل کارش می شود. به رغم او، این رفتار اگرچه منوی است اما تنها در یک صورت «فعل جمعی» ارزیابی می شود و آن هم در حالتی که غرض عامل از این رفتار، رهایی از ترافیک باشد. به عبارت دیگر عزیمت زود هنگام او به محل کار به خاطر آن است که در ترافیک گرفتار نیاید. پس اگر رفتار دیگر بازیگران نبود، او نیز در آن ساعت عازم محل کارش نمی شد.

7. Social Practice

همخوانی دارد، از مقبولیت بیشتری برای ما برخوردار است. (۲۷)

زیاده خواهی، خاستگاه اجتماعی مباحث امنیتی است.

گام سوم: درک ضوابط اجتماعی^۱

ضوابط اجتماعی، زیر بنای هر فعالیت اجتماعی را شکل می دهد؛ چرا که «ضوابط» هستند که با تعیین حد و مرزها عملاً بین «امنیت» و «ناامنی» تفکیک قایل شده، متجاوز را از غیر آن تشخیص می دهند. منظور عالمان تفسیرگرا از «ضوابط اجتماعی» به طور مشخص «قوانینی» است که افراد به صورت روزمره با آنها در ارتباط هستند. بر این اساس توجه به ضوابط در گستره داخلی، منطقه ای، بین المللی و جهانی، برای درک امنیت کاملاً ضروری است. به عبارت دیگر، هر بازیگر ملزم است در چارچوب این ضوابط رفتارهای خود را به نمایش بگذارد و در غیر این صورت، فارغ از انگیزه اش چه بسا به عنوان عامل مخل امنیت محکوم شود. این به آن معناست که «ضوابط» از پیش تعیین می کنند که «چه رفتاری امنیت ساز» و «چه رفتاری امنیت سوز» است و بازیگران موظف به اطلاع از این ضوابط و رعایت آنها هستند. (۲۸)

اطلاع از ضوابط ملی، منطقه ای، بین المللی و جهانی و نیز التزام به آن برای تحقق یک عمل امنیتی ضروری است.

گام چهارم: دست یابی به «معانی مقوم»^۲

منظور از معانی مقوم، تصورات یا تعاریف خاصی است که ضوابط اجتماعی در صورت پذیرش آنها، معنا و مفهوم می یابند و در صورت تردید در آنها، به طور طبع ضوابط نیز اعتبارشان را از دست می دهند. به عنوان مثال، عمل اجتماعی ای همانند «خرید و فروش» که مبتنی بر فعالیت اجتماعی «معامله» بوده و در چارچوب «احکام اقتصادی خاصی» صورت می پذیرد، تنها در صورتی معنا و مفهوم می یابد که «مالکیت خصوصی» پیش از آن پذیرفته شده باشد. لذا اگر این اصل نفی و یا تلقی خاصی از آن پذیرفته شود، به طور طبیعی تمامی ضوابط دگرگون و متحول می شود. در مباحث جاری - و غیرکارشناسانه - معمولاً بین «معانی مقوم» و «ضوابط اجتماعی» تفکیک صورت نمی پذیرد، حال آن که، شأن معانی مقوم و جنس آنها متفاوت از ضوابط اجتماعی

است. در بحث امنیت نیز مشاهده می‌شود که این وجه از مساله کمتر مورد توجه اندیشه‌گران و تحلیل‌گران امنیتی قرار گرفته و معمولاً مجموعه ضوابط داخلی و خارجی به عنوان معنای مقوم امنیت مورد توجه بوده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که دیدگاه «دیوید کلینتون» آنجا که از «منفعت» به مثابه سنگ بنای رفتار آدمیان و بازیگران سیاسی در عرصه‌های خصوصی و اجتماعی یاد می‌نماید، از استحکام لازم برخوردار بوده و «منفعت» شایستگی آن را دارد که به عنوان «معنای مقوم» امنیت طرح و بررسی شود. (۲۹)

دست‌یابی به تعریف و تحلیلی دقیق از منفعت و گونه‌های آن، معنای مقوم امنیت را شکل می‌دهد.

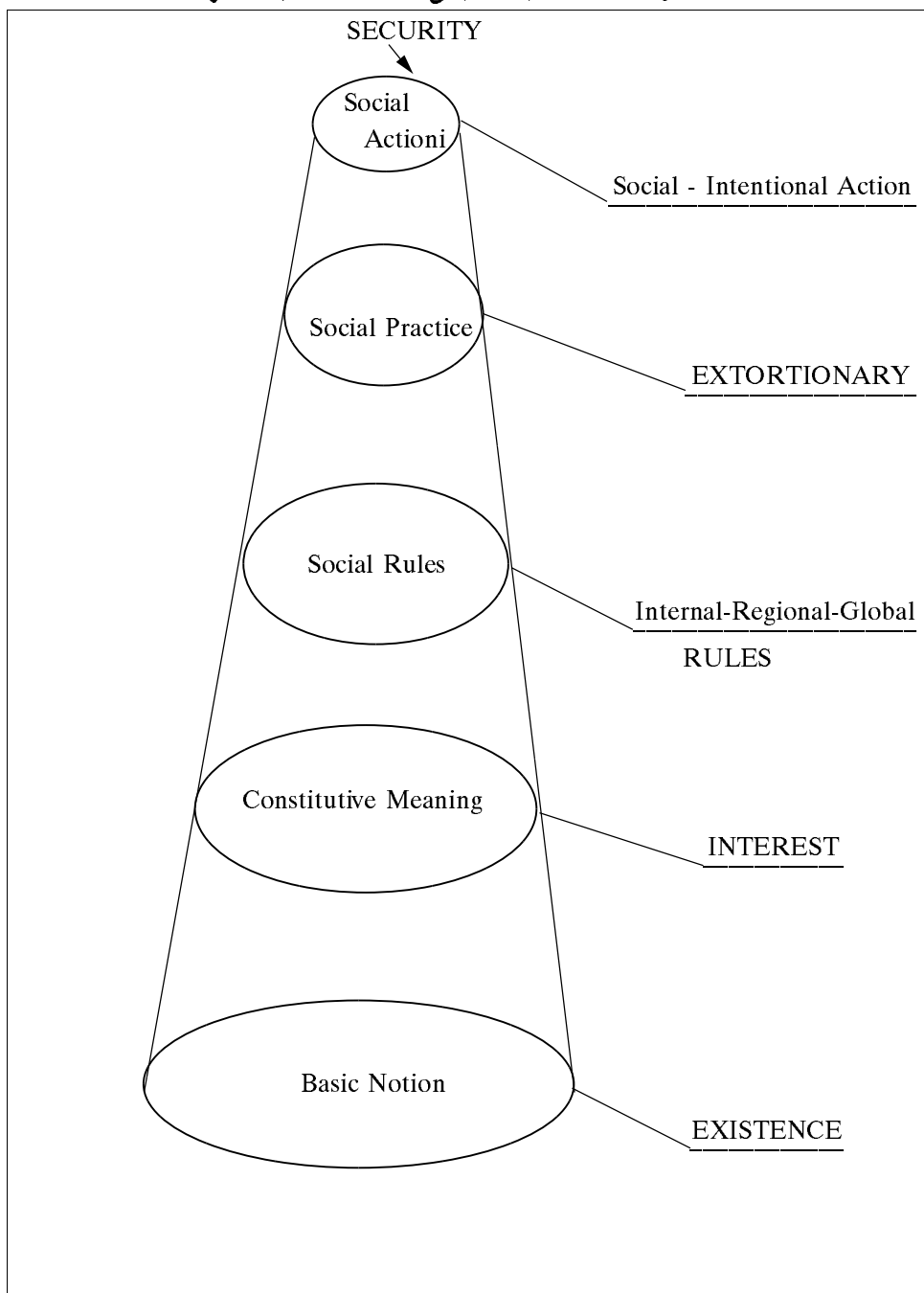
گام پنجم: کشف «مفاهیم بنیادین»^۱

لایه زیرین اعمال اجتماعی را «مفاهیم بنیادین» شکل می‌دهد که پرسش‌های ماندگار زندگی بشر بوده‌اند. پرسش از فرد و جامعه، مرد و زن، حق و تکلیف و... به یک معنا «جهان‌بینی» بازیگر را شکل می‌دهند. بر این اساس هر جهان‌بینی‌ای، مفهومی از امنیت را پرورش می‌دهد که متناسب با تلقی فرد از دنیا و آخرت، فرد و جمع، مرد و زن و... است. به عبارت دیگر، تصوّر ما از هستی با تلقی ما از امنیت در ارتباط است. (۳۰)

معنای امنیت در نزد هر بازیگر با جهان‌بینی او در ارتباط است.

با توجه به مراحل پنج‌گانه بالا چنین به نظر می‌رسد که برای درک زوایای تو در تو و پیچیده مقوله امنیت، صرف توجه به انگیزه بازیگر از اجرای سیاستی خاص کارآمد نبوده و لازم می‌آید تا افزون بر آن، لایه‌های پنج‌گانه «عمل اجتماعی»، «فعالیت اجتماعی»، «ضوابط اجتماعی»، «معنای مقوم» و «مفاهیم بنیادین» به تفکیک بررسی شوند؛ موضوعات فلسفی مهمی که هر یک می‌تواند موضوع نوشتار مستقلی قرار گیرد. (نگاه کنید به نمودار شماره ۳)

نمودار شماره ۳: بازی زبانی امنیت در مکتب تفسیری



نتیجه گیری

«بسیاری از مردم زود قبول می‌کنند که فیلسوفان به تفکیکات دقیق و فنی و نامأنوس اشتغال دارند، اما قبول نمی‌کنند که این اشتغالات سودمند است. هستند کسانی و از آن جمله دانشمندان که کنکاش‌های فیلسوفانه را جداً خطرناک می‌شمارند.» (۳۱)

«برک»^۱ در کتاب «تاملاتی درباره انقلاب فرانسه» در نقد تلاش‌های فلسفی برای تایید مدعای بالا، کودکی را مثال می‌زند که بر دو چرخه سوار است و به پیش می‌رود. اما از زمانی که می‌ایستد و فکر می‌کند که «چه باید بکند»، کارش خراب شده و عملاً از راندن دوچرخه باز می‌ماند. واقعیت امر نیز آن است که کاوش‌های فلسفی در نهایت به پیچیدگی و صعوبت موضوعاتی منتهی می‌شود که مورد بررسی فلسفی قرار گرفته‌اند و همین امر سودمندی آنها را مورد تردید قرار می‌دهد. (به عنوان مثال می‌توان به یافته‌های نوشتار حاضر در خصوص «امنیت» و ابعاد پوشیده آن از منظر مکتب تفسیری اشاره کرد که در نهایت تصویری پیچیده از این مفهوم به ظاهر ساده و آشکار - به معنای مقابله با تهدید - را به خواننده عرضه می‌کند).

با این حال ماهیت زندگی اجتماعی و سیر تحول جوامع بشری حکایت از آن دارد که: بدون تامل فلسفی و به ویژه بدون بحث از روش، در هیچ عرصه‌ای نمی‌توان سیاست موفقی داشت. به عبارت دیگر، سیاست‌هایی ماندگار و ثمربخش بوده‌اند که پیوسته به مدد فلسفه حک و اصلاح شده‌اند و همین نکته بر ضرورت پرداختن به مباحث فلسفی و روش‌شناختی کفایت می‌نماید. به همین خاطر است که «آلن رابین» در پایان بحث خود از «فایده پرسش‌های فیلسوفانه» به آنجا می‌رسد که: احتراز اندیشه‌گران از این مباحث و پرداختن به صرف عمل، به معنای پذیرش تردیدهای «خاص و کوبنده» در آینده‌ای نزدیک است که با بروز یک انقلاب تمامی دست‌آوردهای ایشان را به باد خواهد داد. (۳۲)

نکته مهم بالا، نظر ما را به اهمیت بحث‌های روش‌شناختی در حوزه امنیت پژوهشی معطوف می‌سازد؛ مباحثی که تاکنون کمتر به آنها پرداخته شده و به همین دلیل «مطالعات امنیت ملی» فقیر ارزیابی می‌شود. نوشتار حاضر با عطف توجه به یکی از مهمترین نحله‌های روش‌شناسی در حوزه علوم اجتماعی - یعنی مکتب تفسیری - به دنبال آن بوده تا معنای «امنیت» را در بستر این مکتب به بحث و بررسی گذارد. مجموع ملاحظات بیان شده، حکایت از آن دارد که، فهم امنیت - همچون هر عمل و مقوله اجتماعی دیگر - در این مکتب مبتنی بر درک دو حوزه اصلی «انگیزه عامل» و «بستر اجتماعی» است.

انگیزه امنیتی عاملان در یک تقسیم‌بندی کلان به پنج مورد «سلطه»، «توجیه»، «اقتناع»، «حفظ وضع موجود» و «حفظ وجود»، قابل تحویل است که در بستر اجتماعی، مرکب از سه لایه داخلی (دموکراتیک، تمامیت خواه، اقتدار طلب)، منطقه‌ای (رقابتی، همکاری و تعارض) و جهانی (تک قطبی، دوقطبی و چندقطبی) فهم می‌شود. بر این اساس جدول ترکیبی‌ای با ۲۷ گزینه در بستر مکتب تفسیری شکل می‌گیرد که چهره‌های مختلف امنیت را به ما می‌شناساند. افزون بر آن مکتب تفسیری برای درک معنای امنیت نزد هر بازیگر، روش تفهیمی را پیشنهاد می‌نماید که اجرای آن مستلزم برداشتن پنج‌گام اصلی می‌باشد: تلقی امنیت به مثابه یک عمل اجتماعی، نفوذ به لایه فعالیت اجتماعی، اطلاع از ضوابط اجتماعی، فهم معانی مقوم و بالآخره «کشف مفاهیم بنیادین» که در مجموع از معنای امنیت نزد بازیگری خاص پرده برمی‌دارد.

با عنایت به مجموع مطالب بیان شده در خصوص روش تفسیری، می‌توان اصول ذیل را از بحث امنیت، استنتاج نمود:

۱. امنیت یک عمل اجتماعی است، بنابراین درک آن در گرو درک دو عنصر اساسی است که در ورای نمود ظاهری اعمال امنیتی قرار دارند، نخست انگیزه بازیگران و دوم بستر اجتماعی ظهور عمل امنیتی.

۲. دست‌یابی به یک معنای واحد و جامع از امنیت، نه ممکن و نه مطلوب است. دلیل این امر نیز به تفاوت اغراض بازیگران و بسترهای اجتماعی آنها بازمی‌گردد. بر این اساس تکرر در معنا، یک امر طبیعی ارزیابی می‌شود.

۳. در مقام سیاستگذاری امنیتی، بهترین روش استفاده از «تفهم» و «همدلی» برای درک معنای امنیت نزد بازیگر مقابل و سپس برنامه‌ریزی متناسب با آن است.

۴. با استفاده از روش بازی زبانی و نفوذ به لایه‌های زیرین امنیت می‌توان به وجوه نسبتاً مشترکی در بین تفاسیر متنوع و متعدد از امنیت رسید که این امر امکان همدلی و پیدایش نوعی «شبه اجماع» را که برای اداره امور ضروری است، میسر می‌سازد. توضیح «برایان فی» در این ارتباط راهگشاست آنجا که می‌گوید: انسان‌ها در زندگی روزمره‌شان چنان عمل می‌نمایند که گویی در جزایری جداگانه قرار دارند، حال آن‌که این جزایر در لایه‌های زیرین خود به یکدیگر نزدیک می‌شوند. (۳۳)

یادداشتها

۱. پوپر، کارل، *فقر تاریخیگری*، احمد آرام، تهران، خورازمی، ج ۱۳۵۸، ص ۱۳.
۲. شایان ذکر است که آثار اندکی در خصوص روش‌شناسی در مطالعات امنیتی به چاپ رسیده‌اند که در آنها به صورت اجمالی برخی از مکاتب چون پوزیتویستی و مابعد پوزیتویسم معرفی شده‌اند. در این ارتباط ر.ک.
- Terriff, Terry & Stuart Croft & Lucy James & Patrick Morgan, *Security Studies Today*, Polity Press, 1999; Lipschutz, R. (Edi), *On Security*, New York, Columbia UP., 1995; Booth, K.(Edi), *New Thinking About Strategy & International Security*, London, Harper Collins, 1991; Shultz,R.& R.Godson,& G.Quester,*Security Studies For The 21 st Century*,London,Brasseys,1996.
۳. نک. لیتل، دانیل، *تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی به فلسفه علم الاجتماع*، عبدالکریم سروش، تهران، صراط، ۱۳۷۳، صص ۹ - ۱۰.
۴. در این ارتباط لازم است به مقاله «تفسیر و علوم مربوط به انسان» (۱۹۸۵) به قلم تیلور، مقاله «جنگ خروس‌ها در میان قوم بالی» به قلم گیتز، وضع مفهوم «سازمان بخش» و «نمایش» از سوی ترنر و «شرح اجمالی از نظریه عمل» (۱۹۷۷) به قلم بوردیو، به طور اخص یاد شود. جهت مطالعه پیرامون این آثار، ر.ک. *تبیین در علوم اجتماعی*، پیشین، صص هجده تا بیست.
5. See Rabinsow , Paul & William M.Sullivan (Edis), *InterPretive Social Science*, California, Berkeley & Los Angeles, University of California Press, 1987.
۶. به منظور آشنایی بیشتر به مکتب تفسیری ر.ک.
- علی‌آبادی، یوسف، «زبان حقیقت و حقیقت زبان»، *ارغنون*، سال ۷۴، ش ۷ و ۸، صص ۳۹-۱؛ دانلان، ک.س.، «فلسفه تحلیلی و فلسفه زبان»، *شاپور اعتماد، ارغنون*، سال ۷۴، ش ۷ و ۸، صص ۶۹ - ۳۹؛ حنفی، حسن، *علم الاستغراب*، قاهره، الدارالفنیه، ۱۹۹۱.
7. Fay, Brain, *Social Theory & Political Praticte*, London, George Allen & Unwin, 1975, pp. 10-20.
۸. ر.ک. ماندل، رابرت، *چهره متغیر امنیت ملی*، مترجم: ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی،

۱۳۷۷؛ بوزان، باری، مردم، دولت‌ها و هراس، مترجم: ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.

۹. به نقل از: تبیین در علوم اجتماعی، پیشین، ص ۱۳، آدرس کتابشناسی منبع اصلی عبارت است از: MacIntyre, Alasdair, "Is a science of comparative politics possible?", in *Rationality*, 1973, p. 174.
۱۰. جهت مطالعه بیشتر پیرامون انگیزه‌های امنیتی رک. افتخاری، اصغر، «فرهنگ امنیت جهانی، در: مک کین لای، آر. دی و آر. لیتل، امنیت جهانی، رویکردها و نظریه‌ها، اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰، صص ۷۳ - ۷۰»

Lipschutz, R.D., (Edi), *On Security*, New York, Columbia University Press, 1996; Snow, D.M., *National Security: Defense Policy in a Changing International Order*, New York, St. Martin, Press, 1998.

11. See Feireabend, Ivo. K. & R. L. Feireabend & T.R. Gurr, *Anger, Violence & Politics: Theories & Research*, Prentice - Hall Inc., Englewood Cliffs, N.J., 1972. Also See:

افتخاری، اصغر (به اهتمام)، *خشونت و جامعه*، تهران، سفیر، ۱۳۷۹.

12. See Lake, Davida A. & Patrick M. Morgan (Edis), *Regional Orders: Building Security In A New World*, Pennsylvania, The Pennsylvania U.P., 1997; Basic Book, 1984; Ayoob, Mohammad, *Regional Security In the third World*, London, Croom Helm, 1986.

13. See Adler, Emanuel, *Security Communities*, Cambridge, Cambridge U.P. 1998; Innis, J. *Knowledge & Publicity*, New Brunswick, Transaction Publishers, 1990.

14. See: Jackson, Robert H. Quasi - State: Sovereignty, *International Relations & The Third World*, Cambridge, Cambridge U.P. 1990; Jervis, Robert, "From balance to concert: a study of international security cooperation", *World Politics*, 38: 58 - 79; Oye, K: (Edi), *Cooperation Under Anarchy*, Princeton U.P, 1986.

15. See Brian, Job (Edi), *The Insecurity Dilemma: National Security of The Third World States*, Boulder, Colpo: Lynne Rkner, 1990; Kennedy, Paul, *Grand Strategies In War & Peace*, New Haven, Yale U.P., 1991.

۱۶. بوزان، باری، «مکتب کینهاک» در گفتگو با فصلنامه مطالعات راهبردی سال ۳، شماره ۳، (پاییز ۱۳۷۹)، صص ۱۹ - ۱۰.

17. See Job, Briana (Edi), *The Insecurity Dilemma: National Security of Third World*, Boulder,

op.cit.; Weiss, Thomas & M. Kessler, *Third World Security In The Post - Cold War Era*, Boulder, CO: Lynne Rienner, 1991.

18. "Toward a sociology of security", [http // www.co/orado. edu/conflict/full - text- search/All CRCDOCS / 90 - 4 htm.](http://www.co/orado.edu/conflict/full-text-search/AllCRCDOCS/90-4.htm), p. 2 of 17.

۱۹. جهت بازسازی تقسیم‌بندی ارایه شده در این قسمت ر.ک. وانیر، مایرون و ساموئل هانتینگتون، درک توسعه سیاسی، مترجم: ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹، همچنین:

Migdal, Joel S. *Strong Societies & Weak States*, Princeton, Princeton U.P., 1988; Huntington, Samuel, *The Soldier & The State*, New York, Vintage Books, 1957.

۲۰. جهت بازسازی تقسیم‌بندی ارایه شده در این قسمت ر.ک.

Hettne, Bjorn, Andras Inotal & Osvaldo Sunkel (Edi), *The New Regionalism & The Future of Security and Development*, UK. Mac Millan Press, 2000; Anderson, Kim & R. Blackhurst, *Regional Integration & the Global Tradings System*, Hemei Hempstead, Harvester Wheatsheaf, 1993.

۲۱. جهت بازسازی تقسیم‌بندی ارایه شده در این قسمت ر.ک.

Cox, Robert, *Approaches To World Order*, Cambridge, Cambridge U.P., 1996.

۲۲. سروش، عبدالکریم، *تفرج صنم*، تهران، سروش، ۱۳۶۶، (مقاله نخست)، ص ۲۶.

۲۳. تبیین در علوم اجتماعی، پیشین، ص ۳۲۶.

۲۴. ر.ک: بشیریه، حسین، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران، نی.

25. See Outhwaite, William, *Undrestanding Social Life: The Method Called Verstehen*, 1975;

Habermas, Jurgen, *Knowledge & Human Intrests*, op.cit.

۲۶. تبیین در علوم اجتماعی، پیشین، ص ۱۲۲.

۲۷. ر.ک. افتخاری، اصغر، «قدرت سیاسی، حوزه عمومی و جمهوری اسلامی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۱۳۷۷، شماره ۲، صص ۶۹ - ۳۱.

۲۸. به عنوان مثال نگاه کنید به «قانون امنیتی کره جنوبی»، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، مجموعه اسناد و مدارک، شماره ۳-۵-۱۳۸۱ و «بخشی از قوانین امنیتی سری لانکا»، همانجا، شماره ۴-۵-۱۳۸۱.

۲۹. نک. کلینتون، دیوید، *دو رویه منفعت ملی*، اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی،

۳۰ فصلنامه مطالعات راهبردی شماره ۱۵

۳۰. جهت مطالعه تفصیلی در این خصوص و بررسی موردی تاثیر جهان بینی اسلامی بر ملاحظات سیاسی و اجتماعی نک. افتخاری، اصغر، «قدرت سیاسی، حوزه عمومی و جمهوری اسلامی»، پیشین.

۳۱. راین، آلوین، *فلسفه علوم اجتماعی*، عبدالکریم سروش، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۱۲.

۳۲. همانجا، ص ۱۳.

33. *Social Theory & Political Practice*, op.cit, pp- 16 - 7.